

بررسی رابطه نظری بین روانشناسی مثبت نگر و زبان آموزی دانش آموزان ابتدایی در ایران

سلیمان کیمیایی، سید عبدالهادی سماوی

اداره آموزش و پرورش شهرستان لامرد، کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی

اداره آموزش و پرورش شهرستان لامرد، کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

چکیده:

روانشناسی مثبت نگر به عنوان رویکردی تازه در روانشناسی، بر فهم و تشریح شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی و همچنین پیش بینی دقیق عواملی که بر آنها مؤثرند، تمرکز دارد. این رویکرد از منظری مثبت گرایانه با ارتقای احساس ذهنی بهزیستی و شادمانی، در عوض درمان نواقص و اختلالات سروکار دارد. بنابراین، روانشناسی مثبت نگر تکمیل کننده روانشناسی بالینی سنتی است. فهم، درک و شفاف سازی شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی، موضوع محوری روانشناسی مثبت نگراست.

رویکرد خاص برنامه ی زبان آموزی بر آموزش مهارت های زبانی و فر ازبانی یا مهارت آموزی، استوار است. به همین روی، همزمان به دو پهنه ی مهارت های خوانداری و مهارت های نوشتاری و نیز مهارت های فر ازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) پرداخته شده است.

اصول و ارکان دو حوزه روانشناسی مثبت نگر و زبان آموزی در ایران در اکثر موارد دارای ارتباط مثبت هستند و با افزایش مولفه ای از یک حوزه مولفه مقابل آن در حوزه دیگر افزایش خواهد یافت. این نتیجه کلی باید مورد توجه محققان روانشناسی مثبت نگر و زبان آموزی قرار گیرد تا با بررسی های آماری و میدانی بیشتر، دستاوردهای دو حوزه بررسی شده در این مقاله را ارتقا بخشند.

واژگان کلیدی: روانشناسی مثبت نگر، زبان آموزی، اهداف درسی ابتدایی، اهداف زبان آموزی

مقدمه

روانشناسی مثبت نگر به عنوان رویکردی تازه در روانشناسی، بر فهم و تشریح شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی و همچنین پیش بینی دقیق عواملی که بر آنها مؤثرند، تمرکز دارد. این رویکرد از منظری مثبت گرایانه با ارتقای احساس ذهنی بهزیستی و شادمانی، در عوض درمان نواقص و اختلالات سروکار دارد. بنابراین، روانشناسی مثبت نگر تکمیل کننده روانشناسی بالینی سنتی است. فهم، درک و شفاف سازی شادمانی و احساس ذهنی بهزیستی، موضوع محوری روانشناسی مثبت نگراست. (سلیگمن، ۲۰۰۵).

ژان پیازه روانشناس معاصر سوئیس به روند رشد شناخت کودک توجه داشته و آن را به طور گسترده مورد بررسی قرار داده است. در نگرش او، زبان به عنوان پدیده ای ثانوی در درون روند عمومی رشد شناخت قرار دارد. از این رو، پیازه به رشد زبان تنها به عنوان بازتاب ناقص رشد شناخت می نگرد، و بنابر این، به طور مستقیم به پدیده ی زبان آموزی توجه نمی کند. در زمینه ی رشد شناخت، وی به طور کلی هم تجربه گرایی و هم ذاتی گرایی دانش یا شناخت را انکار می کند. پیازه معتقد است که دانش انسان تنها از راه ضبط مشاهدات در مغز فراهم نمی شود، بلکه برای فراهم شدن آن، فعالیت طرح گذار و موثر در مغز فرد بر تجربه ها و مشاهده هایش الزامی است. بر این پایه ، پیازه عقیده دارد که برای رشد شناخت و نیز زبان در انسان هیچ گونه طرح ذاتی پیشینی وجود ندارد، و از این رو، یافته های معرفت شناسی که باید با داده های رشد ساخت ها و حالت های ذهنی سازگار باشد، الزاماً نه تجربه گراست و نه بر پایه طرح پیشین ذهنی است، بلکه تنها بر اساس بناگرایی شناخت استوار است. (مشکوه الدینی، 1380)

در این مقاله سعی شده است تا رابطه نظری بین روانشناسی مثبت نگر و زبان آموزی دانش آموزان ابتدایی در ایران، بررسی گردد.

روانشناسی مثبت نگر